

# معلم

## دیروز امروز فردا

زینب کامرانی  
کارشناس ارشد مشاوره، اصفهان

### اشاره

در گذشته، گفته‌های معلمان در مدرسه وحی منزل بود. از کلاس اضافه و معلم خصوصی به شکل کنونی خبری نبود. والدین از وضع فرزند خود کمتر خبر داشتند و احساس می‌کردند همین که او را به مدرسه بفرستند و کتاب و دفتری برایش تهیه کنند وظیفه‌شان را انجام داده‌اند. معمولاً بزرگ‌ترها مشغول کار خودشان بودند و معدل بچه‌ها برایشان زیاد مشکل‌آفرین نبود. بچه‌ها هم می‌دانستند همه چیز به همت خودشان بستگی دارد و نباید منتظر دیگران بنشینند. با وجود کمبود امکانات، اگر کتابی در دسترس بچه‌ها قرار می‌گرفت، اکثر آن‌ها تمایل به خواندن آن داشتند. اما امروز والدین همپای فرزندان می‌دوند. چهره‌های خونسرد و بی‌خیال بچه‌های قدیم، جای خود را به نگاه مضطرب و نگران در بسیاری از کودکان امروز سپرده است که باید از کنکور چندین مدرسه غیردولتی گذر کنند. امروزه این همه کتاب خواندنی و این همه نشریه متنوع در دسترس است ولی مشتری فراوانی ندارد. تلویزیون، ویدئو، سینما، ماهواره و... فرصت کتاب خواندن را گرفته‌اند؛ اگر دیروز پدر و مادرها نمی‌دانستند فرزندان‌شان در چه کلاسی درس می‌خوانند، امروز به حد افراط نسبت به کوچک‌ترین رویداد مدرسه کودک خویش حساس هستند. چه بسا می‌خواهند شکست‌های دیروز خویش را با توفیق امروز فرزندان‌شان جبران کنند. و چه بسا آن‌ها را نماد آرزوهای کنونی خویش قرار می‌دهند؛ آرزوهایی که در کودکی خودشان تحقق نیافته‌است.

مقایسه امروز و دیروز با سال‌ها فاصله‌گویی تحولات آموزش و پرورش ماست. معلمان ما که به حق معماران جامعه فرداوند باید چه کنند تا با تلفیق ارزش‌های فرهنگی اسلامی دیروز و نیازهای امروز فردایی روشن را رقم زنند؟ آنچه در این مقاله می‌خوانید پاسخی است که نگارنده در قالب «نقش‌های معلم» و چگونگی ایفای آن‌ها به این سؤال داده و در ادامه کوشیده است بسیاری از این نقش‌ها را در وجود شخصیتی معلمی که روز معلم به یاد اوست، یعنی استاد شهید مطهری، جست‌وجو کند.



محمدنقی آقامیری  
معلم نمونه کشوری، زنجان

محمدنقی آقامیری اهل زنجان است و در رشته علوم قرآن و حدیث مدرک کارشناسی ارشد دارد. وی در حال حاضر در شهرستان خدابنده دبیر دبیرستان‌هاست و از معلمان فعال استان به‌شمار می‌رود. او در سال ۱۳۸۲ معلم نمونه منطقه، در سال ۱۳۸۵ معلم نمونه استان و در سال (۹۰-۸۹) معلم نمونه کشوری انتخاب و معرفی شد. در سابقه فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی او این موارد قابل توجه است: کتابخوان نمونه کشوری (۱۳۸۵)، مدرس دانشگاه‌های آزاد و پیام‌نور، مدرس دوره‌های آموزش خانواده، سرگروه معارف اسلامی خدابنده، کسب رتبه‌های اول، دوم و سوم منطقه‌ای، استانی و کشوری در مسابقات قرآنی، علمی - فرهنگی و روش کلاسی. چاپ مقالاتی در نشریات معتبر کشوری.

### نقش‌های معلم

آگاهی و توجه به نقش‌ها و وظایف گوناگون معلم موجب می‌شود هر معلمی آگاهانه به خودسنجی و خودارزیابی بپردازد، مراقب اعمال و رفتار و گفتار خود باشد و به مسئولیت‌های خطیرش پی ببرد. با اندک تأمل در زندگی معلمان بزرگ و موفق تاریخ و مطالعه سیره ائمه معصومین (ع) می‌توان نقش‌هایی را به این شرح برای معلم تعریف کرد:

**معلم در نقش یاددهنده:** مهم‌ترین نقش معلم، یاددهندگی و تدریس اوست. اولین دلیل استخدام معلمان، تدریس است. معلم شایسته همواره می‌کوشد با کسب تخصص لازم در زمینه‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی و تخصص موضوعی، این نقش را به بهترین وجه ایفا کند.

**معلم در نقش مربی:** بارها شنیده‌ایم که تزکیه بر تعلیم و پرورش بر آموزش مقدم است. از این رو، نقش مربیگری معلم با نقش آموزشی او در آمیخته است. معلم چه بخواهد و چه نخواهد، چه بداند و چه نداند، نقش تربیتی را هم برعهده‌دارد و این نقش اثرهای نامرئی است، یعنی در گزارش‌های اداری و رسمی چندان جایی ندارد. در این باره مولوی چه زیبا فرموده است:

می‌رود از سینه‌ها در سینه‌ها  
از ره پنهان صلاح و کینه‌ها

### صحبت صالح تو را صالح کند

### صحبت طالح تو را طالح کند

**معلم در نقش انسان‌سازی:** معلم شایسته انسانی است به تمام معنا عاشق. عاشقانه تعلیم می‌دهد و تربیت می‌کند. عاشقانه علم می‌آموزد و چون شمع، روشنی بخش محیط اطراف است. امانت‌داری است که انسان امانت اوست (حضرت امام خمینی «ره»). اگر برخی انسان‌ها وقتی به جاه و مقام برسند، شاد می‌گردند، معلمان زمانی که موفق به هدایت انسان می‌شوند خرسند می‌شوند.

**معلم در نقش الگو بودن:** معلم چه بخواهد و چه نخواهد همواره یک الگو و سرمشق برای همانندسازی یا همسان‌سازی است. او از طریق یادگیری اجتماعی و تقلید، شاگردان را تعلیم می‌دهد و تربیت می‌کند. در این نقش، معلم به عنوان یک الگوی معرف جامعه ایفای نقش می‌کند. معلم یک اسوه یا سرمشق عملی است.

**معلم در نقش تخصصی و حرفه‌ای:** معلم واقعی یک فرد حرفه‌ای است که همواره سعی می‌کند اصول اخلاقی حاکم بر این حرفه را رعایت کند. آشنایی با اصول روان‌شناسی، روش‌های اصلاح رفتار، فناوری آموزشی، روان‌شناسی رشد و فنون تدریس، از دانش‌های ضروری‌اند که هر معلمی باید آن‌ها را کسب کند و به‌علاوه به‌دنبال کسب آخرین یافته‌های علمی در حوزه تخصصی خود

نیز باشد.

**معلم در نقش متعلم:** کسی می تواند معلم خوبی باشد که متعلم یا یادگیرنده کوشایی باشد. با توجه به این که عصر حاضر عصر انفجار اطلاعات و دانش است، معلم موظف است همواره خود را به علم روز مجهز کند و ناگزیر از یادگیری است.

معلم در نقش اصلاح گر رفتار: معلم با در اختیار داشتن تقویت کننده های مثبت می کوشد رفتارهای مثبت دانش آموزان را شکل دهد، توسعه دهد و استمرار بخشد و به عکس، با به کارگیری تقویت کننده های منفی، از توسعه، استمرار و شکل گیری رفتارهای نا مطلوب آن ها پیشگیری کند.

**معلم در نقش اصلاح گر جامعه:** بدون شک نقطه آغازین اصلاحات در جامعه، از خانه شروع می شود و سپس به مدرسه می رسد. در خانه والدین و در مدرسه معلمان نقش اول را ایفا می کنند. یک معلم خوب حیات معنوی جامعه را رقم می زند و انقلاب بنیادین در جامعه از جامعه معلمان آغاز می شود.

**معلم در نقش ناقل فرهنگی:** معلم یک ناقل و جهادگر فرهنگی است که باید با کسب ارزش ها، نگرش ها و هنجارهای فرهنگی حاکم بر جامعه آن ها را از طریق گفتار و کردار خود به شاگردان منتقل کند و به تعلیم و تربیت به معنای انتقال میراث فرهنگی معنا بخشد.

**معلم در نقش راهنما و مشاور:** دانش آموزان همواره به راهنمایی و مشاوره احتیاج دارند و نخستین کسی که به او مراجعه می کنند معلم است.

**معلم در نقش مدیر آموزشی:** رهبری و اداره یک کلاس برای معلم نقش دیگری را به ارمغان می آورد و آن مدیریت کلاس است. فراهم کردن شرایط مناسب یادگیری، برقراری نظم و ترتیب و اداره کلاس به منزله یک گروه اجتماعی، از مهم ترین وظایف معلم محسوب می شود.

**معلم در نقش معین عمل:** در کنار سایر نقش ها، گاهی اوقات حضور معلم صرفاً نقش یک تسهیل کننده، معین عمل و به اصطلاح کاتالیزور را برای یادگیری بازی می کند. او ممکن است شخصاً در فعالیت های یادگیری شرکت نکند، اما نبود او در کلاس درس امکان دارد موجب اختلال در یادگیری دانش آموزان شود.

**معلم در نقش کاربر فناوری آموزشی:** تهیه و تنظیم مواد آموزشی و کمک آموزشی، کاربرد فناوری و تکنیک های گوناگون برای تدریس، موجب می شود معلم نقش یک تکنولوژیست را ایفا کند.

**معلم در نقش پژوهشگر:** معلم در آزمایشگاه واقعی علوم تربیتی کار می کند. او همواره با انسان ها مواجه است، پس باید مسائل و مشکلات را بشناسد، علت یابی کند و راه مناسب را برای حل آن ها بیابد.

**معلم در نقش مبلغ مذهبی:** معلم موفق همواره با اخلاص سر کلاس حضور پیدا می کند و در همه حال

خداوند تبارک و تعالی را شاهد و ناظر بر اعمال خود می داند. تقوای عملی، حلم و شکیبایی او دانش آموزان را به طور غیرمستقیم به دین و دیانت دعوت می کند.

**معلم در نقش انضباطی:** یکی از نقش های چشمگیر معلم، نقش انضباطی اوست. معلمی که در عمل به نظم و انضباط اهمیت می دهد (مثلاً به موقع در کلاس حاضر می شود)، آثار بسیار عمیقی بر شاگردان به جا می گذارد.

**معلم در نقش قاضی:** هر معلمی، در طول خدمت خود بارها تدریس می کند، نمره می دهد و فهرست نمره را کامل می کند. نمره دادن به تلاش های دانش آموز یعنی قضاوت و ارزیابی او.

**معلم در نقش مادر و پدر:** در یک فضای عاطفی است که فرایند تأثیر پذیری و تأثیر گذاری تحقق می یابد و اصولاً تعلیم و تربیت یعنی تأثیر گذاشتن و تأثیر پذیرفتن. از این رو معلمی که در نقش پدر مهربان یا مادری دلسوز با شاگردش به عنوان فرزند خود ارتباط برقرار می کند، می تواند به درون شاگرد راه یابد، او را از درون متحول سازد و درون او بذره های محبت بکاربرد (به پژوه. ۱۳۸۰).

### معلم ماندگار

برای دریافتن خصوصیات معلم خوب می توان استاد **شهید مطهری** را به عنوان سرمشق و نمونه انتخاب و ویژگی های او را بررسی کرد.

او چگونه بود که توانست این همه آثار روحی و معنوی و علمی در جامعه ما برجاگذارد؟ برای پاسخگویی به این سوال از مقاله ای که یکی از دوستان و یاران آن شهید (آیت الله محمد واعظزاده خراسانی) در وصف وی نوشته است، استفاده می کنیم:

- مرحوم مطهری که همیشه یک طلبه بود، معلم نیز بود. زندگی او که در حقیقت سراسر سازندگی بود، به دو مرحله تقسیم می شد: ساختن خود و ساختن جامعه، و زندگی وی هیچ گاه از یکی از این دو گونه سازندگی خالی نبود، بلکه مانند همه مردان خدا و مصلحان راستین، غالباً به هر دو نوع سازندگی اشتغال داشت... اتفاقاً این شیوه تعلیم و تعلم اسلامی هنوز در حوزه های علمیه محفوظ مانده است.

- آن چه مطهری را از هم دوره ای های خود و دیگر مدرسان فاضل، جدا و انگشت نما می نمود، همان روشننگری ها و آگاهی بخشیدن او در مسائل اجتماعی و سیاسی و اصلاح طلبی بود... هر جا چند تن از اهل علم گرد می آمدند، چنانچه مطهری حاضر بود، غالباً گوینده و نظردهنده اصلی او بود و کاملاً مشخص بود که در دیگران اثر می گذارد و در هر نوع بحثی که پیش می آمد اعم از مباحث علمی یا تاریخی و اجتماعی و سیاسی، نظرات او صائب بود و سنجیده سخن می گفت.

- تا امکان داشت اظهار حاجت نمی کرد. در جمع مال و ثروت دنیا حریص نبود. افرادی که تحمل سختی ها را می کنند و زیر بار زور و منت دیگران نمی روند چقدر با



جلال ثقفی

دبیر ریاضی، کارافربین

آقای جلال ثقفی از دبیران بازنشسته شهرستان خور و بیابانک (متولد روستای خنج) در استان اصفهان است. وی دانش آموخته رشته ریاضی از دانشگاه تهران است و طی سی سال خدمت خود به تدریس همین رشته در مدارس راهنمایی و دبیرستان های آن شهرستان مشغول بود. به گونه ای که وی را در تدریس ریاضی معلمی کم نظیر می شناسد و کلاس های او را خاطر انگیز می دانند. جلال ثقفی پس از بازنشستگی به پژوهش ها و تحقیقات خود در زمینه کشاورزی و گیاهان دارویی - که قبلاً هم بدان علاقه داشت - ادامه داد. به طوری که چندین مرتبه به عنوان کارافربین و تولیدکننده برتر گیاهان دارویی در استان اصفهان شناخته شده است.

هم شد. به هر حال، آثار استاد مطهری، علاوه بر ارزش ذاتی خود، پشتوانه‌ای عظیم و کم‌نظیر هم دارد و آن تأیید امام خمینی است که فرمودند: (آثار و قلم و زبان او بی‌استثنا آموزنده و روان‌بخش است). شایسته است ببینیم این آثار چه ویژگی‌هایی دارند و آیا می‌توان از این خصوصیات در کار معلمی استفاده کرد یا خیر؟

حجت‌الاسلام واعظزاده درباره شهید مطهری و آثار قلمی وی می‌نویسد: او همواره با توجه به مکتب و ایدئولوژی اسلامی چیز می‌نوشت و چه بسیار کسانی که همواره در راه اسلام می‌گویند و می‌نویسند، اما کار آنان محتوای مکتبی ندارد.

- او هیچ‌گاه بر سبیل تفنن و سرگرمی قلم به دست نمی‌گرفت، بلکه نیازها را می‌سنجید.

- استاد مطهری که طبیعتاً انقلابی بود، نوشته‌هایش و حتی آثار فلسفی او هم تحلیلی‌گر یک انقلاب و آرمان‌بخش و حماسه‌آفرین است، نه انقلاب سیاسی و اجتماعی بلکه انقلاب فکری و مکتبی که خواننده بخواند و بفهمد و پس از فهمیدن، در جهت انقلاب جهت‌گیری و تغییر مسیر پیدا کند.

- وی قلم روی کاغذ نمی‌برد، مگر اینکه هدفش تحقیق درباره مسئله‌ای بود و تا به طور دلخواه آن مسئله با دلیل و برهان برای خودش روشن نشده بود، آن را عرضه نمی‌کرد.

### بحث، سخنرانی و تدریس

مطالب را به طور جامع و مانع و به اصطلاح جامع‌الاطراف مورد بحث قرار می‌داد و اطراف و جوانب و نتایج و برداشت‌هایی را که ممکن است به غلط از آن‌ها بشود، در نظر می‌گرفت.

- در هنگام انتقاد، احساسات و عواطف طرف را در نظر می‌گرفت... تا بیش از آنچه لازمه انتقاد سالم و سازنده است با طرف خود برخورد پیدا نکند...

- عبارات و جمله‌ها در سراسر آثار استاد مطهری یکنواخت، همدست، محکم، ساده و دلنشین است. در آثار او از تطویل یا اجمال‌گویی بی‌جا و به کاربردن الفاظ و اصطلاحات علمی نامفهوم برای خوانندگان خبری نیست. از لحاظ نظم و ترتیب و فصل‌بندی و نحوه ورود و خروج از مطلب، بسیار دقت به کار رفته است.

- استاد مطهری گاه به گاه در تعبیرات، ابتکار و نوآوری هم دارد. یکی از شگردهای کلاس‌داری، استفاده از کلمات و تعبیرات تازه و مفاهیم و نحوه برخورد نو و جدید است که باعث جلب توجه و گیرایی درس می‌شود و به کار بردن کمی ذوق در این زمینه می‌تواند آثار مثبت و متعددی داشته‌باشد (جلوه‌های معلمی استاد، ۱۳۷۰).

- روش تدریس شهید مطهری به اعتراف شاگردان ممتاز ایشان به‌گونه‌ای بود که همه ابعاد به بهترین وجه در آن لحاظ شده بود.

شخصیت، محترم و مورد علاقه و توجه دیگران هستند. این خصوصیت برای معلم از واجب‌ترین خصایص است. - وی مردی بسیار رازدار و سرنگه‌دار بود. بزرگ‌ترین شکست برای معلم آن است که شاگرد به او اعتماد کند و اسرار خود را به او بگوید و یا او خود به هر حال به بعضی از نکات پنهان زندگی وی واقف شود و از سر بی‌مبالاتی و بی‌توجهی و یا خدای نکرده برای کوبیدن و تمسخر اسرار او را فاش کند.

- مطهری مردی خیرخواه و مشکل‌گشا بود. تا جایی که دستش می‌رسید به دیگران کمک می‌کرد. اثر خیرخواهی و مشکل‌گشایی و کمک‌کاری به دیگران، چنان روشن و قاطع است که حتی آن‌ها هم که حسن نیت و اخلاص ندارند خود را به آن شکل درمی‌آورند و به آن‌گونه رفتار تظاهر می‌کنند. نمونه آن را بعد از انقلاب در کسانی که وابسته به گروهک‌ها بودند و به این طریق می‌خواستند اعوان و انصاری از بین شاگردان مدارس به دست بیاورند به روشنی دیدیم.

- او بسیار دوراندیش و آینده‌نگر و حسابگر بود. هیچ کاری را بدون تمهید مقدمات لازم آغاز نمی‌کرد. اهل دل به دریا زدن و بی‌گدار به آب زدن نبود. همواره می‌اندیشید که برای هر کاری از وجود چه کسی باید استفاده کرد و در شأن و حد و توان هر کس چیست و اوبه چه نوع تدبیری حاجت دارد.

- در برابر فضل و کمال و لیاقت - در هر کس یافت می‌شد - حتی آنان که از راهش جدا بودند، خاضع بود و انصاف می‌داد و حتی بر زبان می‌آورد... چه بسیارند کسانی که اگر با کسی اختلاف نظر دارند یا عیبی در او سراغ دارند، همه خصلت‌ها و اوصاف خوب او را ندیده می‌گیرند و به ناحق درباره‌اش قضاوت می‌کنند.

- وی شیفته علم و دانش بود و به بهترین وجه این شیفتگی را در نوشته‌هایش منعکس کرده است.

- او بد زبان و اهل غیبت نبود.

- به جرئت باید گفت آقای مطهری دارای تقوای اخلاقی و عملی بود؛ همان‌طور که تقوای علمی نیز داشت. از محرمات پرهیز می‌کرد و واجبات و بسیاری از مستحبات را رعایت می‌کرد. در واقع، این چکیده و خلاصه همه محاسن و بزرگی‌های یک فرد است: تقوای اخلاقی، عملی و علمی.

### مطهری و قلم

همان‌طور که هر نویسنده با خوانندگان خود از طریق کتاب ارتباط برقرار می‌کند، معلم هم در کلاس با شاگردانش همان رابطه را ایجاد می‌کند. البته غیرقابل انکار است که کیفیت ارتباط از طریق کلاس یا کتاب، تفاوت‌های اصلی دارد، ولی نمی‌توان منکر وجوه اشتراک



بهروز خاماچی (۱۳۱۴)  
معلم و محقق پیش‌کسوت

آقای بهروز خاماچی در شهر تبریز متولد شد. هنگامی که دیپلم گرفت معلم شد و در روستای هراب در دامنه سهند به آموزگاری پرداخت (۱۳۴۱). در همین سال در دانشگاه تبریز پذیرفته شد و سه سال بعد مدرک کارشناسی ارشد جغرافیا و دو سال بعد نیز مدرک کارشناسی ارشد این رشته را گرفت. بهروز خاماچی علاوه بر اینکه معلمی کوشا و علاقه‌مند بوده و از آموزگاری دبستان‌ها تا تدریس در تربیت‌معلم را تجربه کرده، نویسنده‌ای پرکار و توانمند است. ۴۲ جلد کتاب درباره تاریخ و جغرافیای آذربایجان و تبریز نوشته که از میان آن‌ها «شهر من تبریز» کتاب برگزیده سال شده است. در حال حاضر، وی عضو شورای شهر تبریز است، دبیر هیئت پیش‌کسوتان کوهنوردی تبریز را به عهده دارد و با رادیو تبریز هم همکاری می‌کند.

- شهید مطهری از آنجا که فکری قوی داشت و به مسائل فلسفی و منطقی خیلی زیاد وارد بود، در هر بحثی که وارد می شد این توانایی منطقی و فلسفی را در نحوه عرضه کردن آن بحث هم اعمال می کرد؛ حتی اگر تدریس فلسفه داشت، باز با نظم خاص فلسفی آن را ارائه می کرد.

- از خصوصیات بارز تدریس استاد این بود که از موضوع درس خود خارج نمی شد و حد و مرز موضوعات و مسائل را خوب می شناخت. یک مطلب را تبیین می کرد و همان را ادامه می داد.

- از ویژگی های روش تدریس استاد می توان به تفهیم مطلب به سبک ساده و بیانی شیوا اشاره کرد، به گونه ای که حتی مطالب پیچیده را بسیار روان بیان می کرد. به عبارت دیگر، ایشان مطلب درس را با بیانی ساده مطرح می کرد. بسیاری از شاگردان ایشان به این امر اعتراف دارند.

- استاد با تمام وجود و با عشق و علاقه درس را ارائه می داد و با صدایی رسا و بلند به گونه ای که به نقل از اقوال دیگران، با صلابت هر چه تمام تر و با استدلال محکم به جرح و تعدیل آن می پرداخت.

- از آنجا که استاد شهید، سراسر وجودش غرق علم بود و درخت دانش در عمق جان او ریشه دوانده بود، همیشه مانند باغبانی که به باغ خود رسیدگی می کند به باغ دانش خویش رسیدگی می کرد و آن را با طراوت و زنده نگاه می داشت و به همین جهت درس ایشان همیشه نو بود.

- از خصوصیات استاد در تدریس، احترام فوق العاده به استادان بود. آن سنت پسندیده اسلامی و رابطه معنوی بین استاد و شاگرد به گونه ای در فرمایشات ایشان تبلور خاصی داشت.

- از خصوصیات بارز ایشان این بود که به ارتباط علوم و معارف کاملاً واقف بود. در ضمن درس، این ارتباط را بیان می کرد. به عبارت دیگر، اگر لازم می شد چهره یک موضوع را در چند آینه نشان می داد؛ یک بار در آینه فلسفه، یک بار از بعد عرفانی یا در بعد روانشناسی. این نتیجه تسلط ایشان به شاخه های مختلف علوم بود.

- درس استاد مطهری غالباً و شاید بتوان گفت که در همه موارد جهت دار بود، یعنی شاگرد درک می کرد که این بحث به چه درد می خورد و این گونه نبود که مطلبی انتزاعی فقط به صورت یک سلسله بحث های لفظی جلوه گر شود.

- از مهم ترین ویژگی های تدریس استاد تسلط ایشان به موضوع بحث بود، یعنی مطلب را خوب فهمیده بود و هر کس که پای درس استاد می آمد خود را با مردی روبه رو می دید که در دوران طلبگی اش با تمام دل و جان درس خوانده و آنچه را که خوانده فهمیده و رابطه خود را با معلومات خودش حفظ کرده و مطلب درسی چکیده جان او بود.

- شاگردان آن بزرگوار نقل می کنند که هرگاه استاد قصد داشت در کلاس، مطلب کتابی را نقد کند، نسخه ای را مورد استفاده قرار می داد که در آن، به هنگام مطالعه،

حواشی لازم را یاد داشت کرده بود. در این حال، به هنگام بررسی مطالب، پس از خواندن متن، حاشیه خود را نیز مطرح می ساخت. مرحوم مطهری نه تنها نظر استقلالی خود را بیان می داشت، بلکه شاگردان را نیز تشویق می کرد تا با موشکافی در عمق مطالب، زمینه اظهار نظر برای آن ها میسر شود (باقی نصرآبادی، ۱۳۷۷).

### بحث و نتیجه گیری

معلم باید علاوه بر دانش و تخصص لازم، انگیزه کافی هم داشته باشد تا بتواند مهارت خود را به کار گیرد. معلم باید به روز باشد. معلم امروز با معلومات کهنه نمی تواند سر کلاس حرف نو بزند. گسترش سیستم های ارتباطی مثل اینترنت دانش آموز را مجهز کرده و شاید زمانی دانش آموز، اگر معلم به روز نشود، از معلم بیشتر بداند. به طور کلی، ما در دوران خاصی قرار گرفته ایم که در آن ویژگی های جدیدی نسبت به گذشته در حال ظهور است. پویایی هر نظام تربیتی در این است که اصول، روش ها و کارکردهای خود را از حالت ایستا خارج کند و بتواند خواسته هایش را متناسب با دگرگونی های محیطی، شاداب و زنده نگه دارد. (باقری، ۱۳۸۵).

به یقین، مسئولان نظام آموزشی کشور، از دوره پیش دبستانی تا پیش دانشگاهی، نمی خواهند که فارغ التحصیلان دانشگاهی ما عموماً مترجم یافته های دیگران باشند یا پیوند دهنده ساخته های این و آن. بدیهی است که این روند با اصل پویایی علمی، خلاقیت، تعالی شخصیت و سنگربانی رفیع ترین قله های علمی، فرهنگی و اقتصادی همسویی ندارد. از سوی دیگر بسیاری از دانش آموختگان برتر و توانمند جامعه نیز به لحاظ فقر انگیزشی و نگرش های فردی و اجتماعی، به گونه ای که انتظار می رود، در رشته های تحقیقی خود نقش آفرینی نمی کنند! به طور مسلم وجود رگه هایی از نگرش ها و بازخوردهای منفی و بازدارنده و فقر انگیزشی و بی اشتیاقی روانی در بین درصد قابل توجهی از دانش آموختگان و متخصصان توانمند، خود نتیجه بسیاری از عوامل روانی اجتماعی دیگر است.

### منابع

۱. افروز، غلامعلی، اندیشه پرورشی در تار و پود تعلیم و تربیت، به نقل از روزنامه جام جم، چهارشنبه ۳ بهمن ۱۳۸۰.
۲. باقری، خسرو، تربیت دینی و چالش قرن ۲۱، به نقل از مکاتبه و اندیشه، سال هفتم، جلد بیست و پنجم، قم: انتشارات نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، تابستان ۱۳۸۵.
۳. باقی نصرآبادی، علی و نگارش، حمید. رمز موفقیت استاد مطهری، قم: انتشارات امام عصر ۱۳۷۷.
۴. به پژوه، احمد، نقش های معلم به نقل از نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی پیوند، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، خرداد ماه ۱۳۸۰.
۵. رشیدپور، مجید، چگونه می توان تربیت کرد، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۶. جلوه های معلمی استاد، تهران: انتشارات مدرسه ۱۳۷۰.



محمدحسین

معلم، کارشناس کتاب های درسی

محمد مقدس اهل شهر داراب در استان فارس است. پس از آن که دوره دو ساله دانش برای مقدماتی را در شیراز به پایان رساند پنج سال در مدارس - دبستان و دبیرستان - زادگاه خود تدریس کرد و سپس برای ادامه تحصیل به تهران رفت و از دانشسرای عالی مدرک لیسانس گرفت و در تهران ماند و به تدریس در مراکز تربیت معلم و سپاه دانش پرداخت. در همین ضمن توانست مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران اخذ کند. وی بعد از انقلاب به دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی دعوت شد و تا سال ۱۳۷۵ که بازنشسته شد در سمت کارشناس مسئول گروه ابتدایی به خدمت خود ادامه داد و به ویژه در تغییر و اصلاح کتاب های این دوره که مقتضای شرایط بعد از انقلاب بود، مؤثر واقع شد. محمد مقدس پس از بازنشستگی به عضویت هیئت علمی دانشگاه آزاد تهران جنوب درآمد.